

## The Model of Religious Democracy as a Lifestyle Based on the Views of Ayatollah Khamenei

Received: 2023/05/30

Accepted: 2023/10/01

Seyyed Sadrodin Moosavi Jashni<sup>\*</sup>Aliakbar Bakhtiari<sup>\*\*</sup>Abbas Keshavarz shokri<sup>\*\*\*</sup>

(70-95)

In today's era, the failure of many neo-democratic systems is mainly due to the fact that the politicians of these societies thought they were able to establish democracy by creating a few party and parliamentary institutions and neglected to deepen it at the lower levels of society. This is despite the fact that, according to some political thinkers, democracy is not just a form of government, but a way of life and political and social conduct. By following the opinions of Ayatollah Khamenei, we found that he has a broader view of the concept of religious democracy and considers this concept as a way of social life. Therefore, the purpose of the present fundamental research, using the ijtehad method, is to answer the question, what are the concept and components of religious democracy as a way of life? Based on the above approach, the model of religious democracy is the method and way of life of the people who, within the framework of Islamic laws and also based on Islamic teachings, in all areas of social life - including politics, economy, culture, science and knowledge, etc. Active participation in all decision-making, implementation and monitoring processes. The identified components of the model of democracy as life are: active and extensive participation in all areas of life and society, cooperation and cooperation, decentralization, free consultation and dialogue in the public sphere, expansion of civil society and middle circles, and the prohibition of evil.

**Keywords:** Democracy, Religious Democracy, Lifestyle, Democracy.

<sup>\*</sup>Associate Professor, Department of Political Thought, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran, Sadrmoosavi@gmail.com.

<sup>\*\*</sup>. PhD student of political thought, Imam Khomeini Research Institute and Islamic Revolution, Tehran, Iran, (corresponding author) Aliakbarbakhtiari@gmail.com.

<sup>\*\*\*</sup>. Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran, Abbaskeshavarz1@yahoo.com.

This article is extracted from the doctoral thesis of the responsible author of the article, titled "Reviewing the process of transition to religious democracy in the Islamic Republic of Iran, from the perspective of political mobilization-agent structure theories."



## الگوی مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

سید صدرالدین موسوی جشنی\*، علی‌اکبر بختیاری\*\*

عباس کشاورز شکری\*\*\*

(۷۰-۹۵)

### چکیده

در عصر حاضر، ناکامی بسیاری از نظام‌های نودموکراتیک عمدتاً به این مسئله برمی‌گردد که سیاستمداران این جوامع تصور می‌کردند با ایجاد چند نهاد حزبی و پارلمانی قادر به تأسیس مردم‌سالاری بوده و از تعمیق آن در سطوح پایینی جامعه غفلت ورزیدند. این در حالی است که به اعتقاد برخی از اندیشمندان سیاسی، مردم‌سالاری صرفاً یک شیوه حکومت نبوده بلکه نوعی زیست و سلوک سیاسی و اجتماعی است. آراء آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام نشان می‌دهد که ایشان به مفهوم مردم‌سالاری دینی نگاه وسیع‌تری داشته و این مفهوم را به مثابه یک شیوه زیست اجتماعی در نظر می‌گیرند. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش اجتهادی، پاسخ به این سؤال است که مفهوم و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست، چیست؟ مبتنی بر رهیافت فوق، الگوی مردم‌سالاری دینی عبارت است از شیوه زندگی مردمی که در چهارچوب قوانین و آموزه‌های اسلامی، در تمامی عرصه‌های زیست اجتماعی و در کلیه فرآیندهای تصمیم‌سازی/گیری، اجرا و نظارت مشارکت فعال داشته باشند. مؤلفه‌های شناسایی شده الگوی

\* دانشیار گروه اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، تهران، ایران،  
Sadrhoosavi@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، پژوهشکده امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)  
Aliakbarbakhhtiari@gmail.com

\*\*\* استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران،  
Abbaskeshavarz1@yahoo.com

این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری نویسنده مسئول مقاله با عنوان بررسی فرایند گذار به مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز نظریات ساختار-کارگزار بسیج سیاسی است.

مردم‌سالاری به مثابه زیست اجتماعی عبارت‌اند از: مشارکت فعال و گسترده در تمامی عرصه‌ها، تعاون و همیاری، تمرکززدایی، مشورت و گفتگوی آزاد در حوزه عمومی، بسط جامعه مدنی و حلقه‌های میانی و امر به معروف و نهی از منکر. **واژگان کلیدی:** مردم‌سالاری، مردم‌سالاری دینی، شیوه زیست، دموکراسی.

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، در جامعه ایرانی الگویی از مردم‌سالاری به نام «مردم‌سالاری دینی» توسط آیت‌الله خامنه‌ای دامپناه عرضه شده که مدعی امکان‌سازش و جمع میان دخالت و حضور مردم در ساماندهی حیات سیاسی و اجتماعی از یک‌سو، و التزام و تعهد به آموزه‌های دینی و حضور دین در عرصه سیاست و اجتماع از دیگر سو است. با تتبع در آراء آیت‌الله خامنه‌ای دامپناه در می‌یابیم ایشان مردم‌سالاری دینی را نه صرفاً یک نوع تکنولوژی سیاسی - با مکانیزم‌هایی چون پارلمان و صندوق رأی - بلکه یک شیوه زیست و سلوک سیاسی و اجتماعی معرفی می‌نمایند.

پژوهش حاضر به دنبال کشف ماهیت این پدیده سیاسی از این منظر بدیع است؛ به این معنا که با رجوع به اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای دامپناه، به دنبال دستیابی به الگویی جدید از نحوه حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، متناسب با اهدافی است که دین برای یک جامعه مطلوب ترسیم می‌نماید. بنابراین، سؤال اصلی تحقیق این است که مفهوم و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی بر اساس این رهیافت جدید چیست؟

پژوهش حاضر از نوع تحقیق پایه‌ای یا بنیادی است؛ زیرا هدف از آن درک عمیق‌تر پدیده سیاسی نوظهوری است که به کشف ماهیت و روابط بین متغیرها، اصول و قوانین تئوری پرداخته و به مرزهای دانش مطالعات سیاسی کمک می‌کند (جمشیدی راد، ۱۳۸۸: ۳۵).

همچنین در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش اجتهادی، ضمن مطالعه آثار و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دامپناه و نیز بررسی دلالت‌های لفظی و غیرلفظی آن با به‌کارگیری اصول و قواعد الفاظ و مفاهیم از جمله عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و...، مقصود ایشان از مردم‌سالاری دینی تتبع گردیده و بر اساس آن به الگوی جدیدی مبتنی بر رهیافت شیوه زیست دست یافته‌ایم. روش جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی می‌باشد.

### پیشینه پژوهش

تا آنجایی که نگارندگان جستجو نموده‌اند، کوشش منظمی برای بررسی مدل مردم‌سالاری دینی از رهیافت «شیوه زیست» صورت نگرفته و تلاش حاضر در قلمرو پژوهش، بدیع است. باین‌وجود، در خصوص دموکراسی به‌مثابه شیوه زیست، برخی از آثاری که چنین رهیافتی را ارائه می‌دهند عبارت‌اند از:

۱. قرارداد اجتماعی اثر ژان ژاک روسو (۱۴۰۰) که یکی از کلاسیک‌ترین اثر در خصوص دموکراسی از این رهیافت می‌باشد.
۲. دموکراسی گفتگویی اثر منصور انصاری (۱۳۸۴) دو رهیافت موجود در خصوص دموکراسی را مطرح نموده و سپس با بیان ضرورت بازاندیشی در اندیشه دموکراسی، به بیان امکانات رهیافت دموکراسی به‌مثابه شیوه زیست پرداخته است.
۳. فرهنگ و دموکراسی اثر گی ارمه (۱۳۷۶) دموکراسی روشی را در بهترین حالت، ابزاری برای پیشرفت و تکامل بشر که شایستگی توصیف صفت «دموکراتیک» دارد، معرفی می‌نماید.
۴. دگرگونی در ساختار حوزه عمومی اثر یورگن هابرماس (۱۳۹۲) به بازسازی نظریه دموکراسی در سیاست مدرن پرداخته است. هابرماس بعدها در مقاله سه مدل هنجارین دموکراسی (Habermas, 1999) به نقد مدل‌های رایج دموکراسی و پردازش ایده «دموکراسی رایزنانه» یا «دموکراسی گفتگویی» پرداخت.
۵. فراسوی چپ و راست اثر آنتونی گیدنز (۱۳۸۷) به نقد دموکراسی لیبرال پرداخته و مدل مورد نظر خود را به‌عنوان «دموکراسی گفت‌وشنودی» ارائه می‌کند.
۶. دموکراسی اثر آنتونی آربلاستر (۱۳۷۹) به چالش‌های دموکراسی روشی اشاره نموده و مدل مطلوب دموکراسی را در پاسخ به این چالش‌ها ارائه می‌نماید.
۷. دموکراسی و دیکتاتوری: روانشناسی و الگوی زندگی آن‌ها اثر زودی باربو (Barbu, 1956) که دموکراسی را بر اساس شیوه زندگی تعریف کرده و مدعی است تحقق دموکراسی منوط به چهارچوب ذهنی خاصی است که شهروندان را برای اداره امور «به دست خودشان» آماده می‌کند.
۸. دموکراسی و تعلیم و تربیت اثر جان دیویی (Dewey, 1916) به دموکراسی به‌عنوان

«روش زندگانی»<sup>۱</sup> معرفی می‌نماید که افراد با روحیه مشارکت و تجارب مشترک به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند.

وجه مشترک آثار فوق این است که در آن‌ها، دموکراسی نه فقط یک نظام سیاسی و حکومتی، بلکه تلاشی برای استقرار شیوه خاصی از زندگی است. تفاوت پژوهش حاضر با آثار فوق این است که اگرچه مدل مردم‌سالاری دینی با انواع مدل‌های دموکراسی به‌مثابه شیوه زیست، دارای شباهت‌ها و هم‌پوشانی‌هایی است؛ اما لزوماً تمامی مدل‌های فوق، یکجا دارای همه مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی نیستند. به تعبیر بهتر، می‌توان گفت که مردم‌سالاری دینی «شیوه‌ای» از شیوه‌های زیست مردم‌سالارانه یا به‌عبارت‌دیگر شیوه زیست مؤمنانه است.

### مبانی نظری

در بخش حاضر، ابتدا به بیان رهیافت‌های عام مردم‌سالاری پرداخته و سپس رهیافت مطلوب را که عبارت از رهیافت مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست است را به‌طور جداگانه مورد مذاقه بیشتر قرار می‌دهیم تا در بخش آتی، مدل مردم‌سالاری دینی را در این چهارچوب نظری بررسی نماییم.

### رهیافت‌های عام مردم‌سالاری

به لحاظ اصطلاح‌شناسی، اسم مرکب «مردم‌سالاری» حاصل مصدر و از ترکیب اسم جمع «مردم» و اسم معنی «سالار» و پساوند «یاء» حاصل مصدری تشکیل یافته است. واژه «مردم» در اصل واژه‌ای پهلوی و اسم جمع انسان، بشر و آدمی است. واژه «سالار» نیز کلمه‌ای پهلوی است به معنای حاکم، والی، شاه، صاحب اختیار و آنکه دارای منصب رفیع است. مردم‌سالاری عموماً معادل فارسی «دموکراسی» دانسته شده است که واژه‌ای یونانی و مرکب از دو کلمه «Demos» به معنای «مردم» و «Cratia» یا «Kratos» یعنی حاکمیت و قدرت است. بنابراین، مردم‌سالاری به‌طور خلاصه یعنی «حاکمیت مردم». اما از آنجایی که حاکمیت همواره دارای دو سویه حاکم و محکوم‌علیه بوده و نمی‌توان به یک معنا مردم را هم حاکم دانست و هم محکوم،

1. Way of life

در این خصوص از تعریف اصطلاحی کارل کوهن بهره می‌بریم. او حاکمیت را در معنای عمیق آن، عبارت می‌داند از پی‌ریزی هدف‌ها با خط‌مشی سیاسی و جهت بخشیدن به افراد حکومت‌شونده. این‌را می‌توان معنی ارشادی<sup>۱</sup> حکومت نامید. بر این اساس، هرگاه حکومت از لحاظ ارشادی در نظر گرفته شود و متضمن تعیین خط‌مشی و هدف‌هایی که زندگی گروهی را رهبری می‌کنند باشد، در اصل برای همه اعضاء هر اجتماع این امکان وجود دارد که در برقراری هدف‌هایی که مشترکاً خواستار آنهایند مشارکت کنند (کوهن، ۱۳۷۴: ۲۴-۲۵).

با بررسی آراء اندیشمندان سیاسی، می‌توان رهیافت‌هایی که بر تمامی مدل‌ها و گونه‌های مردم‌سالاری حاکم هستند را به دو دسته عام و کلی تقسیم نمود. این دو رهیافت کلان عبارت‌اند از: ۱. مردم‌سالاری روشی یا مردم‌سالاری به‌مثابه نظام سیاسی و حکومتی ۲. مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست.

رهیافت نخست که محصول دوران مدرن است، صرفاً نوعی نظام سیاسی قلمداد و نوعاً در شکل نظام انتخاباتی ظاهر می‌گردد. مردم‌سالاری در این رهیافت، در واقع فرآیند دست‌به‌دست شدن قدرت به‌صورت مسالمت‌آمیز است که با تعبیه مجموعه‌ای از مکانیزم‌های خاص مانند پارلمنتاریسم، احزاب، نظام انتخاباتی و نظایر آن‌ها می‌توان به حکومت مردم‌سالار دست پیدا کرد. از این منظر، مردم‌سالاری یک قالب و روش برای کنترل رهبران از طریق انتخابات منظم و رقابت سیاسی احزاب و گروه‌هاست. در این رهیافت، نگرش آدمیان به ماهیت انسان، جهان و جامعه برای ایجاد و گسترش مردم‌سالاری چندان اهمیت ندارد و صرفاً روش انتخاب رهبران سیاسی و یا رقابت مسالمت‌آمیز احزاب و گروه‌های سیاسی است. بنابراین، شیوه زیست آدمیان چندان مناسبتی با شیوه سیاسی زمامداری نمی‌یابد. نظریه‌پردازانی همچون لیپست، دال و شومپتر از جمله طرفداران این رهیافت هستند (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۸).

در مقابل، برخی از متفکران، مردم‌سالاری را به‌مثابه شیوه‌ای از زندگی دانسته‌اند که ابعادی فراتر از نوعی نظام سیاسی را در برمی‌گیرد. در رهیافت دوم، مردم‌سالاری به‌عنوان

کیفیتی در نظر آمده که بر کل زندگی و فعالیت اجتماعی در سطح ملی یا کوچک‌تر سایه می‌افکند. عده‌ای از متفکران دموکرات مانند هابهاوس، لیندسی، جان دیویی، هانا آرنست، یورگن هابرماس، آنتونی گیدنز و نظریه‌پردازان دموکراسی مشارکتی و مشورتی از جمله طرفداران این رهیافت هستند (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۸). پژوهش حاضر، مردم‌سالاری را در چهارچوب رهیافت اخیر مورد مطالعه قرار داده است که در ادامه به‌طور ایجاز به شرح این رهیافت پرداخته خواهد شد.

### رهیافت مختار پژوهش، مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست

در رهیافت مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست، مردم‌سالاری صرفاً نوعی نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی و رأی‌گیری نیست؛ بلکه ایده آل دموکراتیک در کنش سیاسی به‌منصه ظهور می‌رسد. در برخی مدل‌های مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست از جمله دموکراسی مشارکتی، کنش سیاسی اساساً شامل همه حوزه‌های غیر سیاسی زندگی اجتماعی مانند محل کار، بوروکراسی، منزل و مدارس نیز می‌شود (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۸).

به باور ژان ژاک روسو، دموکراسی فرآیند انتخاباتی نیست که هر از گاهی مردم به پای صندوق‌های رأی آورده شوند و سپس با حیل‌های سیاسی از عرصه‌های تصمیم‌گیری کنار گذاشته شوند. تعبیر وی در مورد این رهیافت از مردم‌سالاری، جالب است: «در نظام‌های پارلمانی، مردم هرچند سال یک‌بار و تنها در زمان انتخابات از آزادی برخوردار می‌شوند و پس از آن به موضع وابستگی و پیروی از قوانین که چیزی بهتر از بندگی نیست باز می‌گردند» (روسو، ۱۴۰۰: ۱۷۰ و بیتهام، بویل، ۱۳۷۶: ۲۴).

از نظر آربلاستر، هرچه در جامعه‌ای مشارکت شهروندان در حکومت بیشتر شود، تمایز مرسوم میان حکومت و حکومت‌شوندگان کم‌رنگ‌تر خواهد شد. در چنین وضعیتی، طبقه‌بندی مردم‌سالاری صرفاً به‌عنوان شکل یا روش حکومت گمراه‌کننده است. در چنین اوضاع و احوالی دولت، اجتماعی و جامعه، سیاسی می‌گردد. مدل پیشنهادی آربلاستر با عنوان «مردم‌سالاری مشارکتی» ضرورتاً پیامدهای جنبی برای زندگی اجتماعی دارد و بهتر است آن را شیوه‌ای از زندگی دانست تا ابزار یا روش سیاسی (آربلاستر، ۱۳۷۹: ۹۹).

این تلقی از دموکراسی را می‌توان با ره‌آوردی مقایسه نمود که به تعبیر گی ارمه در کتاب فرهنگ و دموکراسی، شیوه‌ها و ساختارهای انتخاباتی و نمایندگی مجلس، مشارکت سیاسی و نیز ساختارهای اقتصادی، همه در بهترین حالت، ابزارهایی هستند در خدمت هدفی که فراتر و والاتر از همه اینهاست و فقط این هدف والاست که شایستگی توصیف صفت «دموکراتیک» را دارد و آن پیشرفت و برابری مردم در جهت تکامل است تا جایی که بتوانند بهترین بهره را از استعدادهای شخصی خویش داشته باشند. بنابراین، در این نوع دموکراسی، هدف اهمیت دارد نه ابزارهای وصول به آن. بدین منوال در دموکراسی بین ماهیت و حقیقت دموکراسی و الزامات و ابزارهای آن (مانند پارلمان و...) باید تمایز قائل شویم. این الزامات و ابزارها می‌توانند متأثر از زمان و مکان دستخوش تغییر شوند (ارمه، ۱۳۷۶: ۲۲ - ۲۶).

چهارچوب نظری دموکراسی به مثابه شیوه زیست ارائه دهنده منظری متفاوت و صرفاً نمایشگر آن است که مردم‌سالاری از رهیافتی دیگر نیز در نظریات دموکراسی مورد مطالعه قرار گرفته است. تلاش نگارندگان آن است که از این تجربیات و انباشت علمی بهره‌برداری نماید؛ اما چنانکه پیش‌تر اشاره شد، این بدان معنا نیست که برخی نظریات دموکراسی با مبادی فکری آشکارا متفاوت در نگرش به انسان و جهان، کاملاً قابل‌کاربست در الگوی مردم‌سالاری دینی می‌باشد؛ در اینجا تأکید بر این است که به مردم‌سالاری دینی از منظری متفاوت نیز می‌توان نظر نمود.

چهارچوب نظری منبعت از مبانی دینی برای این رویکرد عبارت است از نظریه «ولایت عرضی». آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، «ولایت» را که مفهوم کانونی اندیشه سیاسی تشیع است، در اصطلاح اولی قرآنی به معنای «به‌هم‌پیوستگی و اتصال شدید یک عده انسانی که جوایب یک هدف واحدند و برای نیل به آن مقصود، تلاش و حرکت می‌کنند»، تعریف می‌نماید (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۲۲). از نظر ایشان، ولایت مفهومی ذو ابعاد است، مشتمل بر: ۱. حفظ ارتباط دائمی و عمیق با امام و رهبر به‌عنوان قلب امت اسلامی ۲. حفظ پیوندهای داخلی مردم با یکدیگر (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۵۵۲) ولایت فقیه در زمان غیبت معصوم، از نوع ولایت‌های طولی است که در اندیشه سیاسی تشیع، تنها از طریق بیعت آزاد قابل تحقق بوده و در آن مردم‌سالاری



اِشْرَاب شده است. اما آن بُعد از ولایت که مورد نظر نگارندگان می‌باشد، عبارت است از ولایت عرضی که در بردارنده پیوندهای اجتماعی مردم با یکدیگر است؛ چنانچه آیه ۷۲ سوره انفال، مسلمانانِ یاری‌گر را «اولیاء یکدیگر» معرفی می‌نماید. این ولایت، سنگ بنای جامعه‌سازی است و تا مجتمعی متشکل از این پیوندهای اجتماعی شکل نگیرد، ولایت طولی نیز محقق نخواهد شد. ولایت عرضی ابتدا جامعه می‌سازد تا ولایت طولی بتواند حکومت بسازد.

### مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست

مردم‌سالاری دینی از اندیشه سیاسی - اسلامی با قرائت شیعی ریشه گرفته است. در اندیشه سیاسی تشیع، مردم‌سالاری، صفت و روح حاکم بر جامعه و حکومت دینی است. علت این امر را می‌بایست در ارزش ذاتی‌ای جستجو نمود که دین برای انسان قائل است. زیرا از منظر دین اسلام، انسان، نه یک اتم نفسانی خودبنیاد، بلکه موجودی فطرتاً اجتماعی با توانایی بالقوه صیوروت و نیل به مقام خلیفه اللهی است؛ و این صیوروت، تنها در سایه حیات اجتماعی محقق می‌گردد.

آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله با ایده‌پردازی الگوی مردم‌سالاری دینی، اگرچه به مردم‌سالاری روشی به‌عنوان ره‌آورد عصر مدرن متناسب با اقتضانات زمان و مکان، اعتنا داشتند، اما بر این عقیده هستند که در زمان‌ها ممکن است روش‌ها عوض شود: «حالا چه جور این مسئولیت [همگانی] اِعمال بشود، این در زمان‌های مختلف، مختلف است؛ امروز با انتخابات است، ممکن است یک روزی با یک وسیله دیگری باشد» (بیانات رهبری، ۱۴۰۰/۳/۱۴). آنچه در اینجا مهم است، محتوا و روح حاکم بر جامعه و به تبع آن نظام سیاسی است که باید متکی بر حضور و مشارکت مردم باشد. در اینجا مردم‌سالاری یک فرهنگ و سبک زندگی می‌شود که سابقه‌ای بیش از ره‌آورد مدرن از مردم‌سالاری در قالب پارلمان، احزاب و انتخابات دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله، با توسع معنای مردم‌سالاری دینی، افق بسیار وسیعی را برای این حضور و مشارکت در نظر می‌گیرند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی بسط و گسترش

می‌یابد: «ما که می‌گوییم مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، بعضی خیال می‌کنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردم‌اند... بسیج<sup>۱</sup> در همه عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است. اگر چنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد می‌شود مردم‌سالار... در علم همین جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین جور است. در سیاست همین جور است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۳/۲۹). ایشان در جای دیگر اظهار می‌نمایند: «مردم‌سالاری فقط در اداره سیاسی کشور نیست؛ در خدمات شهر و روستا است در زنده کردن روحیه کارهای بزرگ در کشور است - که شما نمونه آن را، مصداق واقعی آن را در تشکیل سپاه پاسداران، در تشکیل جهاد سازندگی، در تشکیل بسیج مشاهده می‌کنید؛ ناگهان در کشور یک حقیقتی مثل جهاد سازندگی به وجود می‌آید و آن همه کارهای بزرگ را در طول چند سال انجام می‌دهد؛ [همین طور] سپاه پاسداران یا بسیج؛ این، ناشی از حضور مردم است - ... وقتی مردم وارد میدان شدند... در میدان‌های علمی پیشرفت می‌کنند؛ در میدان‌های صنعتی پیشرفت می‌کنند؛ در دانش‌های نوپدید پیشرفت می‌کنند؛ در تأثیرگذاری سیاسی در منطقه پیشرفت می‌کنند؛ این‌ها همه ناشی از حضور مردم و تأثیرگذاری حوادث کشور است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

بنابراین، ایشان به حضور و مشارکت مردم در همه عرصه‌های زیست اجتماعی و در تمامی فرآیندها نظر دارند. بر طبق این رهیافت، مفهوم مردم‌سالاری دینی عبارت است از: روش و شیوه زندگی مردمی که در چهارچوب قوانین اسلام و نیز بر اساس آموزه‌های اسلامی، در تمامی عرصه‌های زیست اجتماعی - اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و دانش و... - در کلیه فرآیندهای تصمیم‌سازی/گیری، اجرا و نظارت حضور و مشارکت فعال داشته باشند.

---

۱. منظور از واژه بسیج در اینجا، به معنای مردم برانگیخته و به حرکت درآمده است. چنانکه ایشان در جایی بسیج را اینگونه تعریف می‌نمایند: «عنوان بسیج، تکیه بر روی همه‌آحاد مردمی دارد که فعالند.» (بیانات رهبری، ۹۶/۹/۱)

## مؤلفه‌های اساسی مردم‌سالاری دینی

### مشارکت فعال و موسّع به جای مشارکت سیاسی منفعل و محدود

مشارکت عبارت است از: «مסاعی سازمان یافته شهروندان برای شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی». این مساعی را عموماً در مورد تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاسی دولت و انتخاب رهبران خویش (میر احمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶) به رسمیت شناخته‌اند؛ اما منظور نگارندگان چیزی فراتر از آن، مشارکت مؤثر در همه عرصه‌های زیست اجتماعی است. به تعبیر مک‌لگان، مشارکت و عموزاده سیاسی‌اش، دموکراسی، هنگامی به اوج تحول می‌رسد که گروهی از کنشگران و شهروندان، قاطعانه در فکر احیاء زمینی باشند که رویش زندگی می‌کنند (مک‌لگان، ۱۳۷۷: ۱۳).

در اسلام، مشارکت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی، یک مسئولیت از جانب خدا برای مردم است. ضمانت اجرایی مکتب اسلام، نظارت همگانی و دادن مسئولیت به عموم افراد است؛ از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله حضور مردم، یک حضور قطعی در باب حکومت اسلامی است که از مسئولیت انسان‌ها فهمیده می‌شود (بیانات رهبری، ۱۴۰۰/۳/۱۴)؛ ایشان با استناد به حدیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «همه شما سرپرستید و همه شما پاسخ‌گو» (بیانات رهبری، ۶۸/۴/۲۵)، مشارکت را از جانب «همگان» و برای «همه‌چیز» می‌دانند: «امور مسلمین یعنی همین امور جامعه اسلامی که همه امور را شامل می‌شود» (بیانات رهبری، ۱۴۰۰/۳/۱۴).

البته این نوع نگاه به مردم، رافع مسئولیت حاکمان نیست؛ اما تأکید بر این است که تک‌تک آحاد جامعه با هر شأن و جایگاه اجتماعی، به میزان قدرت و توانایی خود، دارای مسئولیت است که طبعاً مسئولیت نهادهای حاکمیتی به دلیل دارا بودن سهم بزرگتری از قدرت و امکانات، بیشتر خواهد بود.

### تعاون به جای رقابت

مردم‌سالاری به مثابه روش، بر مبنای رقابت شکل گرفته است. در جوامع غربی، طرح نظام رقابتی به‌عنوان کاراترین نظم ممکن، در مبانی هستی‌شناسی خود، با تبلیغ تنازع بقا و

بزرگنمایی آن، و سپس تعمیم آن به جوامع انسانی با نام «داروینیسیم اجتماعی» در جامعه‌شناسی، رویه نظری بخش مسلط فرهنگ و تمدن فرهنگ کاسبکارانه غرب را به نمایش می‌گذارد (فرهادی، ۱۳۹۷: ۲۲). در چنین شرایطی جایگزینی نظریه «تعاون بقا» به جای «تنازع بقا»، و جایگزینی نفع جمعی در برابر منافع گروهی و رفاقت به جای رقابت دشوار می‌نماید. چیزی که هست نظام رقابتی جامعه غربی آمادگی بسیاری برای پذیرش دومی و ناباوری بسیارتری نسبت به اولی داشته است. حقیقت آن است که همکاری، هم مقدم بر جنگ، و هم نسبت به آن یک «قاعده» است؛ و جنگ و ستیزه در جامعه، نسبت به عمر طولانی جوامع، هم متأخر و هم استثناء است. اما به قول بوگاردوس: «نفس تعاون به لحاظ طبیعت آرام‌تر و فعالیت‌های صلح‌آمیزتر و عمق وظیفه اجتماعی آن، چنانچه فراموش هم نگردد، ممکن است نادیده انگاشته شود» (بوگاردوس، ۱۳۵۲: ۱۱).

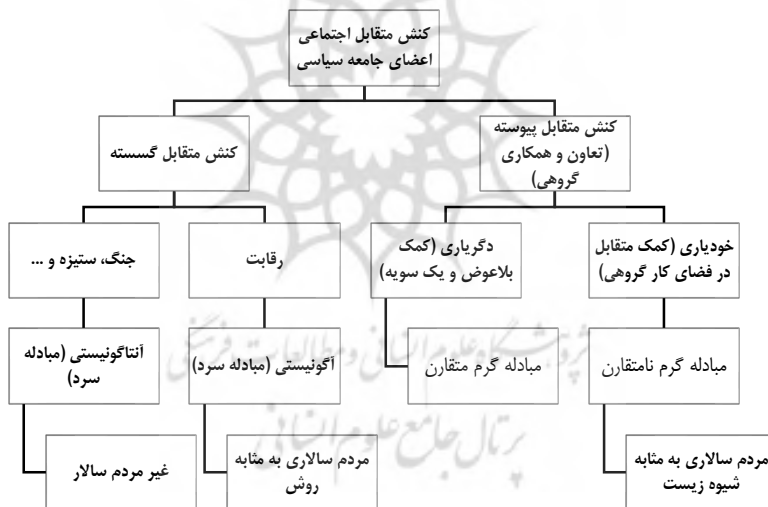
در اسلام، اگرچه که تحت شرایط و اهداف خاصی دستور جهاد داده شده است؛ اما هدف نهایی در هر حال استقرار صلح و ایجاد زندگی مسالمت‌آمیز است. نویسنده کتاب اسلام و آیین نبرد معتقد است، در قرآن کریم، حتی یک آیه هم نمی‌توان یافت که اشاره یا تحریکی باشد به اینکه باید با جنگ و کشتار و جنایت، مردم را مجبور به گرویدن به اسلام نمود. مسئله «صلح» در اسلام یک قاعده همیشگی و «جنگ» یک حالت استثنایی است (حسینیا، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱).

مردم‌سالاریِ روشی مبتنی بر رقابت که در اندیشه سیاسی اسلامی با رعایت ضوابط اخلاقی و هنجارها مورد پذیرش و امضا نیز قرار گرفت و توانست مشارکت را از میدان رقابت «آنتاگونیستی» (موفه، ۱۳۹۱: ۱۰) تبدیل به رقابت در کارهای نیک و در فضای اخلاقی نماید (بقره: ۱۴۸، مائده: ۴۸ و حدید: ۲۱)؛ اما تأکید دین اسلام بیش از رقابت، بر تعاون است و کوشیده دایره شمول تعاون را به کل جامعه مسلمانان از هر قبیله و نژادی گسترش دهد. تعلیمات اسلامی به‌طور کلی و آیات قرآن به‌طور خاص، مکرراً ارزش تعاون و کارهای جمعی را تأیید می‌کند. تعاون در کارهای نیک، یک دستور الهی است که در قرآن کریم صادر شده است (مائده: ۲).

یکی از روایاتی که آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه درباره تعاون مسلمانان در همه فعالیت‌های

اجتماعی به‌عنوان بنیاد جامعه اسلامی مورد استناد قرار می‌دهند، عبارتی از امیرالمؤمنین است که به مسئله تعاون و همکاری برای اقامه حق در جامعه اشاره دارد: «[در] مسئله جمهوریت، مردم‌سالاری... امیرالمؤمنین یک عبارتی دارند که به نظر من خیلی مهم است: ... التعاون علی اقامة الحق بیّنهم؛ [مردم] باید همکاری کنند، تا حق در جامعه اقامه بشود» (بیانات رهبری، ۱۴/۳/۱۴۰۰).

آنتونی گیدنز در کتاب فراسوی چپ و راست، یکی از عرصه‌های دموکراتیزاسیون را گسترش گروه‌های «خودیاری‌گر»<sup>۱</sup> برمی‌شمارد. به نظر گیدنز اگرچه گروه‌های خودیاری‌گر در اهدافشان ضرورتاً دموکراتیک نیستند، ولی ارتباط نزدیکی بین دموکراسی و این گروه‌ها وجود دارد. آن‌ها فضا را برای دیالوگ عمومی باز می‌کنند و به دموکراتیزه شدن «سیاست خرد»<sup>۲</sup> یاری می‌رسانند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۳).



شکل ۱. انواع کنش‌های متقابل جمعی در نسبت با مردم‌سالاری

(منبع: یافته‌های پژوهش)

چنانچه کنش‌های جمعی متقابل را یک نوع مبادله در نظر بگیریم، انتخاب یاری‌گری و

1. self-help groups

2. subpolitics

تعاون یا به تعبیر چلبی، مبادلات گرم - اعم از مبادله متقارن گرم که در آن نفع طرفین مطمح نظر است؛ یا مبادله نامتقارن گرم که یاری دگرخواهانه، یا به تعبیری «هدیه ناب»<sup>۱</sup> از مظاهر برجسته آن است (به طور خلاصه خود-دگریاری) - (چلبی، ۱۳۹۵: ۴۵۲-۴۵۸) به جای نظام رقابتی و ستیزه‌آفرین و مبادلات سرد، هدف مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست خواهد بود.

### تمرکززدایی

تمرکز زدایی<sup>۲</sup> متضمن وضعیت یا فرآیندی است که در آن، قدرت و مسئولیت از یک مرجع مرکزی، به نهادهای دیگری که معمولاً محلی‌ترند، انتقال می‌یابد. این اصطلاح را می‌توان درباره فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی، توزیع قدرت بین مراجع منتخب و سازمان بوروکراسی به کار برد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۹: ۳۷).

آنتونی گیدنز برای تعمیق دموکراسی، دموکراتیزه کردن مضاعف از طریق تفویض قدرت را پیشنهاد می‌دهد: دموکراتیک کردن دموکراسی پیش از هر چیز به مفهوم تمرکززدایی از قدرت و تمرکززدایی از سازوکارهای دموکراتیک است (قدرت را به مناطق، شهرها، محله‌ها برگردانید). به نظر گیدنز می‌توان با بازگرداندن دوباره سیاست به زندگی مردم، سطح اعتماد به سیاستمداران و نیز مشارکت دموکراتیک را افزایش داد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

دین اسلام، تفویض پاره‌ای از امور به مردم هر منطقه را تأیید می‌کند؛ مثل استقلال درونی قبایل و برخی مکانیزم‌های دیگر. همه‌چیز در آن زمان بر مبنای قرارداد شکل می‌گیرد و نه اجبار. تا آنجایی که پیامبر ﷺ در هر اقدامی که می‌خواست بکند، رأی یا همان بیعت را می‌گرفت (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۸). همچنین، پیامبر ﷺ بسیاری از امور محلی مربوط به قبایل را به ریش سفیدان و بزرگان همان قبایل تفویض می‌نمود.

آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله شوراها را یک نمونه از تمهیدات اسلام برای حضور آحاد مردم در کارها معرفی می‌نماید. ایشان در جمع مسئولان اولین دوره شوراهای اسلامی بیان

---

1. Pure Gift

2. Decentralization

الگوی مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست... - سیدصدرالدین موسوی جشنی (۹۵-۷۰) / ۸۳

می‌نمایند: «اسلام در ضمن اینکه احکام الهی و اراده الهی را در هدایت و صلاح انسان‌ها دارای کمال تأثیر می‌داند، حضور انسان‌ها و حضور آحاد مردم را هم در همه کارها پیش‌بینی کرده است. یک نمونه آن همین مسئله شورا است. خدای متعال در علائم مؤمنین می‌فرماید: "و امرهم شوری بینهم" (شوری: ۳۸)؛ کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند. البته مشورت با شکل‌های مختلفی ممکن است انجام گیرد؛ این [مدل شوراهای شهر و روستا] هم یک شکل از اشکال مشورت است» (بیانات رهبری، ۷۸/۳/۴). در جای دیگر تأکید می‌نمایند: «شوراها از مظاهر مشارکت مردمی و برای تسهیل امور مردم است» (بیانات رهبری، ۷۸/۲/۸). البته ایشان ضمن تأکید بر درستی اصل تمرکززدایی، به لوازم و الگوی تفویض اختیارات آن نیز توجه می‌دهند: «یک مسئله هم تمرکززدایی است که جزو شعارهای این دولت است و شعار بسیار درستی هم هست؛ منتها مشخص کنید که این تمرکززدایی چطور است؛ [زیرا] مدل مشخصی لازم دارد» (بیانات رهبری، ۸۵/۶/۶).

بنابراین، با ملاحظه لوازم و اقتضائات تمرکززدایی به‌گونه‌ای که به اقتدار حاکمیت لطمه‌ای وارد نکند، واگذاری پاره‌ای از امور به شوراها و نهادهای منطقه‌ای و محلی می‌تواند به افزایش نقش آفرینی مردم در زندگی اجتماعی و تحقق مردم‌سالاری دینی به‌مثابه شیوه زیست کمک نماید.

### گفتگوی آزاد و مشورت

یکی از اصول اساسی در رهیافت مردم‌سالاری به‌مثابه شیوه زیست، اصل «گفتگو» و لزوم تعامل فکری است. بر همین اساس، برخی عنوان «دموکراسی گفتگویی» را به این نوع از مردم‌سالاری اطلاق کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۰ و انصاری، ۱۳۸۴: ۱). از نظر گیدنز، دو نوع دموکراسی وجود دارد. دموکراسی فقط امکان رأی دادن آزادانه نیست، بکه امکان گفتگو درباره مسائل به‌صورت علنی و آزادانه به دور از تسلط قدرت نیز هست (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۵۴). دموکراسی یعنی بحث و گفتگو. یعنی روش بحث آزاد و تصمیم‌گیری از طریق «نیروی استدلال برتر» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۳۰).

اسلام که از ریشه «سَلِم» به معنای صلح، امنیت و سلام گرفته شده، یکی از راه‌های

رسیدن به صلح و آشتی را گفتگو و بحث‌های شایسته با تعابیری چون «قول احسن» (زمر: ۱۸) و «جدال احسن» (نحل: ۱۲۵) می‌نماید. مؤلف کتاب اسلام، آئین صلح و گفتگو برخورد زیبا و صلح‌آمیز و منطق رسا و عقلانی پیامبر در دعوت‌هایش را عامل جذب مخاطبین دانسته که موجب گردید هیأت‌های زیادی، مانند نمایندگان پادشاه حِمیر، حبشه و... روانه مدینه شوند (زکی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

دین مبین اسلام، تأکید فراوانی بر امر گفتگو و مشورت دارد و به همین دلیل، یکی از سُور قرآن کریم به نام «الشوری» نامگذاری شده است. علت این نامگذاری وجود آیه ای در این سوره است که یکی از صفات نیک مؤمنان را کارشان را مشورت با یکدیگر (شوری: ۳۸) برمی‌شمارد. در اسلام، مشورت صرفاً یک عمل پسندیده نیست بلکه فریضه‌ای است که ولی امر مسلمین طبق دستور صریح قرآن موظف و مکلف است بدان عمل کند (آل عمران: ۱۵۲)، در این آیات هم متعلق مشورت و هم اهل مشورت عام است و همه امور سیاسی و عمومی و تمامی مسلمانان را شامل می‌شود (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). همچنین، می‌توان گفت با توجه به نزول این آیه در مکه پیش از تأسیس نظام سیاسی، در صدد نوعی «فرهنگ‌سازی» بوده و برای مردم نوعی حوزه عمومی در اداره امور عمومی خود را به رسمیت شناخته است (میراحمدی، ۱۳۸۶: ۲۱۰ - ۲۱۱).

مکانیزم پیشنهادی آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌تعالیه برای گسترش فضای گفتگو، راه‌اندازی کرسی‌های آزاد اندیشی در حوزه‌ها و دانشگاه‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌تعالیه با استناد به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر، بیان می‌نماید: «شما تجربه این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن؛ آزادانه مطرح کردن.» (بیانات رهبری، ۸۸/۸/۶). ایشان تأکید می‌کنند ایجاد کرسی‌های آزاد اندیشی یک فضای عمومی برای گفتمان ایجاد می‌نماید: «کرسی‌های آزاد اندیشی را که من صد بار - با کم و زیادش - تأکید کردم راه بیندازید... این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند» (بیانات رهبری، ۹۰/۷/۱۳) ایشان در پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه و پیشنهاد تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی، و کرسی‌های نقد و مناظره ضمن تأیید این پیشنهاد، الزامات آن را نیز بیان می‌نمایند: «آنگاه که



نخبگان ما نقطه تعادل میان هرج و مرج و دیکتاتوری را شناسایی و تثبیت کنند، دوران جدید آغاز شده است. آری، نباید از آزادی ترسید و از مناظره گریخت و نقد و انتقاد را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی تبدیل کرد؛ چنانچه نباید به جای مناظره، به جدال و مراء گرفتار آمد و به جای آزادی، به دام هتاکی و مسئولیت‌گریزی لغزید... انقلاب اسلامی آمد... تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و "زاد و ولد فرهنگی" که به تعبیر روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام محصول "تضارب آراء و عقول" است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد» (بیانات رهبری، ۸۱/۱۱/۱۶). تضارب آراء در فضای عمومی شکل‌دهنده افکار عمومی و محقق‌کننده مردم‌سالاری گفتگویی در رهیافت شیوه زیست می‌باشد.

### جامعه مدنی و حلقه‌های میانی

جامعه مدنی، مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و تشکّل‌های اجتماعی مستقل از دولت و قدرت سیاسی است که در صورت‌بندی قدرت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (افضلی و صدرآرا، ۱۳۶۲: ۳۷۸). این نهادها و مؤسسات غیر دولتی و خودمختار، حقوق و تمایلات شهروندان را آشکار می‌کنند. هر قدر تعداد و تنوع پل‌های ارتباطی بین شهروندان و دولت بیشتر باشد، امکان برقراری ارتباط دوجانبه در بُعد سیاسی بین شهروندان و دولت نیز بیشتر خواهد بود. ضروری است این پل‌ها و گره‌ها به شکل گروه‌ها و تشکیلات داوطلبانه عمل نمایند. هر قدر خصلت داوطلبانه بودن آن بیشتر باشد، میزان روانی روابط سیاسی و همکاری سیاسی بین شهروندان و دولت نیز بیشتر خواهد بود. این گره‌ها بنا به ماهیت، کارکرد و هدف خود می‌توانند اشکال مختلفی به خود بگیرند، مانند اصناف، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های علمی و فرهنگی، انجمن‌های دوستی، انجمن‌های مذهبی، بنگاه‌های خیریه، محافل و انجمن‌های هنری و....

البته کم و بیش این نیروها در درون همه جوامع وجود دارند؛ که گریم گیل در کتاب پویایی دموکراسی‌سازی (۱۳۹۴) از آن‌ها با عنوان «نیروهای جامعه مدنی» یاد می‌کند. اما از نظر وی، جامعه مدنی موقعی واقعاً وجود دارد که قلمرو فعالیتی خارج از نظارت مستقیم دولت وجود داشته باشد؛ قلمروی که در آن شهروندان بتوانند برای پیگیری منافع و دغدغه‌های خود به شیوه خاص خودشان (البته در محدوده‌هایی) سازماندهی شوند. از

آنجایی که حکومت اقتدارگرا، جامعه مدنی را اگر هم وجود داشته باشد به شدت محدود می‌کند، گیل نتیجه می‌گیرد که در حکومت‌های اقتدارگرا عملاً جامعه مدنی نمی‌تواند وجود داشته باشد (قاضی‌مرادی، ۱۳۹۷: ۳۰۷). بنابراین، او جامعه‌ای را به معنای واقعی مردم‌سالار می‌داند که جامعه مدنی گسترده در آن حضور داشته باشد که نه فقط مستقل از نظارت دولتی است بلکه دولت، مشروعیت‌شان را می‌پذیرد.

ارتباط جامعه مدنی و جامعه سیاسی دموکراتیک بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا جامعه مدنی پایگاه اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی را ایجاد و به حوزه سیاسی منتقل می‌نماید. دولت و جامعه باید در مشارکت با یکدیگر عمل کنند، و هر یک کار دیگری را تسهیل کرده، ولی در عین حال به‌عنوان یک عامل کنترل نسبت به دیگری عمل کند. هیچ‌گونه مرز دائمی بین دولت و جامعه مدنی وجود ندارد. بسته به شرایط، گاهی لازم است دولت بیشتر به عرصه مدنی کشانده شود و گاهی عقب‌نشینی کند. دارا بودن سطح بالایی از خودسازماندهی<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های جامعه‌ای است که به‌طور فزاینده‌ای درباره مسائل تأمل می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌السلامه در تبیین لایه میان دولت و مردم به‌مثابه میانجی دو لایه در ساختار حکمرانی، از عنوان بدیع «حلقه‌های میانی» استفاده می‌نمایند. از منظر رهبر انقلاب، حلقه‌های میانی مجموعه‌هایی برآمده از متن مردم هستند که نقش‌هایی خارج از چهارچوب وظایف دولت و دستگاه‌های حاکمیتی را ایفا می‌نمایند: «این تمرکز، ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راه کار، برنامه‌ریزی... به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است؛ نه به عهده دولت است؛ نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است... شکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند؛ مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند» (بیانات رهبری، ۹۸/۳/۱). رهبری در اینجا شأن تصمیم‌سازی در سیاست‌ها را به‌عنوان یکی از شئون حلقه‌های میانی برشمرده‌اند. باین حال، این حلقات مسئولیت‌های مختلفی دارند که حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... را شامل شده و

به خصوص عرصه اجرا در مقیاس‌های کوچک و متوسط به منظور کوچک‌سازی دولت و کم کردن بارهای مسئولیت آن، و نیز نظارت بر عملکرد دولت را نیز شامل می‌گردد.

### حوزه عمومی

حوزه عمومی<sup>۱</sup> میدانی برای بحث‌های عمومی است که مباحث و مسائل مورد علاقه عموم به بحث گذاشته می‌شود و افکار و باورها در آن شکل می‌گیرد. حوزه عمومی - دست کم در اصول - شامل کسانی است که در مقام افرادی برابر در عرصه‌ای آزاد برای بحث و گفتگوی عمومی گرد هم می‌آیند (بردسالی و گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۶۸).

حوزه عمومی هم فضایی است برای گفتگو و هم عرصه‌ای است برای کنش جمعی خارج از چهارچوب دولت و حوزه خصوصی ولی در تعامل با این دو حوزه. هابرماس حوزه عمومی را عبارت از فضایی می‌داند که میان دولت و جامعه قرار می‌گیرد. این گستره همگانی، دربرگیرنده مجموعه‌ای از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی است که کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته است (هابرماس، ۱۳۹۹: ۱۲ و افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۳). ایشان در کتاب دگرگونی ساختار حوزه عمومی نشان می‌دهد قرن طلایی حوزه عمومی، قرن هجدهم میلادی بوده است که یکی از نمونه‌های جالب توجه، قهوه‌خانه‌های شهر لندن بودند. در آن کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها عمل «گفتگو» به منظور «مفاهمه» صورت می‌گرفت نه «مذاکره» برای مصالحه و امتیاز گرفتن (هابرماس، ۱۳۹۹: ۵۴). این گفتگوها به تدریج افکار عمومی را شکل می‌داد و تبدیل به گفتمان غالبی می‌شد که بر عملکرد دولت نیز تأثیر می‌گذاشت.

نظریه مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست، میان دو حوزه استقلال شخصی (حوزه خصوصی) و صلاحیت اقتدار سیاسی (دولتی)، حوزه‌ای را برای شهروندان به‌عنوان یک هیأت جمعی به رسمیت می‌شناسد؛ حوزه‌ای که در آن شهروندان به تأثیرگذاری در زندگی جمعی می‌پردازند. علاوه بر سازوکارهای کنش جمعی و گفتگو که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، لازم است به یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های تعبیه شده در اسلام برای این خصوص به‌طور جداگانه اشاره نماییم و آن عبارت است از: «مسجد». مساجد به‌مثابه حوزه عمومی

در سراسر مناطق اسلامی است که علاوه بر این که محل عبادت پروردگار است، محل اجتماع مسلمین نیز می باشد. با آنکه بنیان نهادن مسجد، گاه به عنوان بنایی برای حکومت ارزیابی می شود، آنچه بیشتر درست می نماید، این است که مسجدالنبی ﷺ پیش از هر چیز نخستین پایه یک فضای عمومی و مدنی بوده است. مسلمانان در آنجا هم با پیامبر و هم با یکدیگر به شور و رایزنی جدی درباره امور اجتماعی می پرداختند. این گفت و گوها کاملاً جدی بود و هرگز نمادین نبود. به گزارش تاریخ، پیامبر ﷺ در جریان این گفتگوها گاه در امور اجتماعی، آشکارا نظر جمع را بر نظر خویش ترجیح می داد (کالون و نوبهار، ۱۳۸۹: ۳۰۸). آیت الله خامنه‌ای دامنه‌ای در خصوص وجه تمایز جایگاه مسجد با معبد به شأنیت حوزه عمومی بودن مسجد با محوریت عبادت اشاره می نمایند:

در مسجد، پیغمبر اکرم نمی رفت فقط نماز بخواند و بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می آمد و مهم بود، صدا می زدند: الصلاة جامعة؛ بروید به سمت محل صلاة؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به [مسائل مهم اجتماعی مثل] مسئله جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را... پس بنابراین یک مسئله، مسئله گردهمایی مردمی بر محور نماز و محور ذکر از نظر اسلام است. این مهم است. بنابراین اگر کار اجتماعی هم در اینجا انجام می گیرد، مثلاً تصمیم می گیرند که... در یک امر خیری تعاون کنند، این با توجه به اقامه صلاة است... اگر وظیفه پیدا می کنند که امورات شهری را، امورات محله را مثلاً از لحاظ امنیت، از لحاظ کارهای لازم انجام بدهند، باز بر محور ذکر است (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

ایشان مجدداً این اجتماع مردمی و کنش های اجتماعی منبعث از آن را ناشی از مسئولیت انسان ذکر می کنند: «[مسجد] محل پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم در کارهای گوناگون است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱). این پمپاژ فکرها و کشاندن مردم در کارها، همان نقش سپاری به مردم در فرآیندهای تصمیم سازی و اجراست که در تعریف مردم سالاری به مثابه شیوه زیست، بدان اشاره شد.

### امر به معروف و نهی از منکر به مثابه نظارت همگانی

ساز و کاری که در جامعه و نظام اسلامی برای نظارت همگانی در نظر گرفته شده، عبارت است از دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر. ضمانت بقا و سلامت جامعه اسلامی، عدم بی‌تفاوتی مردم و توجه به رعایت هنجارها و ارزش‌ها در جامعه است که این، یکی از وجوه تمایز شیوه زیست مردم‌سالارانه مؤمنین با شیوه زیست دموکراتیک غربی است که مردم را نسبت بسیاری از ناهنجاری‌هایی که سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازند، دعوت به بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری می‌نماید.

آیت‌الله خامنه‌ای «إِنَّظِلَّةُ» در خصوص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در مردم‌سالاری دینی می‌فرماید:

اما مسئله جمهوریت، مردم‌سالاری و اعتبار رأی مردم... [اینکه] حضور مردم، یک حضور قطعی در باب حکومت اسلامی است، از مسئولیت انسان‌ها فهمیده می‌شود. در قرآن کریم و در روایات ما درباره مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت جامعه مطالب روشن و فراوانی هست... [از جمله] امر به معروف؛ این یک وظیفه عمومی است که یکی از مهم‌ترین معروف‌ها حکومت حق و عدل است. در جامعه بایستی حکومت عادلانه باشد؛ حکومت حق باشد؛ باید مردم امر کنند به این [معروف]؛ مسئولیت مردم را نشان می‌دهد. یا مسئله لزوم مبارزه با انحرافات جامعه... این «مسئولیت» از یک‌سو و از یک‌سو «حق» [یعنی] حق تعیین سرنوشت [وجود دارد]... مسئله حاکمیت مردم و مردم‌سالاری متکی به این معارف دینی است (بیانات رهبری: ۱۴/۳/۱۴۰۰).

یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در سطح حکمرانی، نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان و مسئولین است که در متون دینی از آن تعبیر به «النصیحة لائمة المسلمین» می‌شود. پیامبر گرامی اسلام نصیحت و خیرخواهی برای امامان را درکنار ملازمت جماعت مسلمین و جلوگیری از اختلاف‌افکنی و تفرقه، از خصلت‌های هر مسلمانی می‌داند که خیانت و بدخواهی و کینه‌توزی نمی‌کند (کلینی، ۱۳۶۹، ۲: ۲۵۸). حضرت علی در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه نصیحت و خیرخواهی را هم به‌عنوان حق مردم بر حاکم جامعه و هم حق حاکم بر مردم برمی‌شمارد (سید رضی، ۱۳۷۹: ۷۹). رهبری نیز

بارها در بیانات خود خطاب به مردم بر این حق و مسئولیت دینی و اجتماعی تأکید کرده‌اند؛ از جمله:

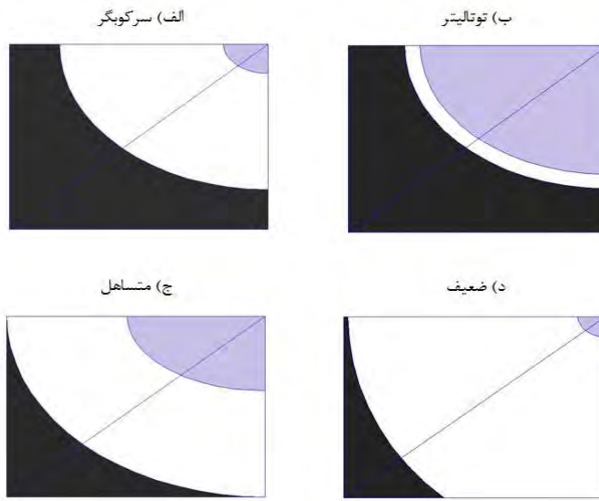
به نظر من شما تا آنجایی که می‌توانید نصیحت کنید؛ "النصیحة لأئمة المسلمین". هرکس [از مسئولان] را که احساس می‌کنید دنیا زده است، به هر طریقی می‌توانید، نصیحت کنید و بدانید که نصیحت به هر حال مؤثر است (بیانات رهبری: ۷۹/۱۲/۲۲).

بر این اساس، مردم بر اساس حق نظارت خویش، باید در صورت مشاهده هرگونه خلاف و انحراف، به مسئولان تذکر دهند و در صورت عدم قبول یا تأثیر، از هر راه معقول و ممکن جلوی آن را گرفته و حتی در شرایطی او را از قدرت برکنار کنند.

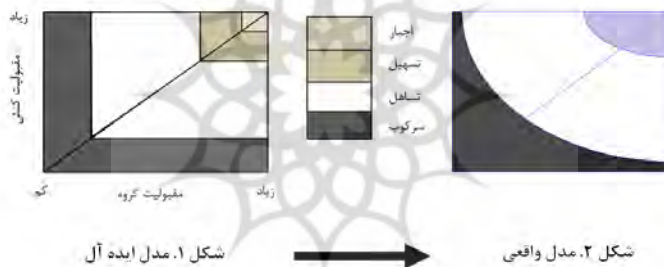
#### آزادی گروه‌ها و کنش‌ها و پذیرش تکثر در چهارچوب قانون

مفهوم آزادی همانند مفهوم مردم‌سالاری از جمله واژگان شناور و لرزان معناست (مشکات، ۱۳۸۲: ۱۳). آن بخش از آزادی که به موضوع حاضر مربوط می‌گردد عبارت است از پذیرش تکثر و آزادی گروه‌ها و کنش‌ها همچون آزادی اجتماعات، آزادی بیان و قلم، آزادی انجمن و مانند آن.

در عکس‌العمل حکومت نسبت به آزادی گروه‌ها و کنش‌ها، انتخابی پیوسته (طیفی) و دربردارنده ترکیبی از سرکوب، تساهل، تسهیل و اجبار وجود دارد. شکل ۱ توصیفی ساده از سرکوب، تساهل و تسهیل و اجبار حکومت با توجه به میزان مطلوبیت گروه‌ها و کنش‌ها ارائه می‌دهد. نمودار شکل ۱، چندان واقع‌گرایانه نیست. آنچه که شکل ۲ به ما نشان می‌دهد شباهت بیشتری به واقعیت زندگی روزمره دارد.



شکل ۳. الگوهای سرکوب/تساهل/تسهیل در انواع مختلف نظام‌ها  
(منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودارهای شکل ۳، تفاوت موجود میان رژیم‌های سرکوبگر، توتالیتر، متساهل و ضعیف را بیان می‌کند (تیلی، ۱۳۸۵: ۲۰). یک رژیم سرکوبگر، بسیاری از گروه‌ها و کنش‌ها را سرکوب می‌کند، حال آنکه تسهیلات اندکی برای آن‌ها فراهم می‌آورد. یک رژیم توتالیتر باریکه کنش‌های مورد تساهل را محدود می‌نماید. یک رژیم ضعیف، چندان قادر به کنترل اوضاع نیست و سرکوب خود را تنها متوجه گروه‌های ضعیف می‌سازد. اما یک رژیم مردم‌سالار آن باریکه میانی تساهل را وسعت می‌بخشد. با این حال، نمودار نظام متساهل نیز این فرض را در خود دارد که برخی از کنش‌های قوی‌ترین گروه‌های موجود در خود را متوقف سازد. بنابراین، نظام مردم‌سالار، در عین آنکه دارای سطح وسیعی از تساهل است، دارای

اقتدار نیز هست و اجازه بروز هرگونه رفتاری از گروه‌های قوی را نمی‌دهد. این محدوده را قانون تعیین می‌نماید. لاینز و استپان نظام‌های مردم‌سالار را از نظر تکثرگرایی این‌گونه با رژیم اقتدارگرا مقایسه می‌نمایند: «حکومت‌های اقتدارگرا از نظر تکثرگرایی، نظام سیاسی با تکثرگرایی سیاسی محدود و غیر مسئول است. در حالی که در مردم‌سالاری، تکثر سیاسی مسئول و پاسخ‌گو که با حوزه‌های گسترده خودمختاری تکثرگرا در جامعه تقویت می‌شود و تکثرگرایی دارای حمایت قانونی است. در مردم‌سالاری، مشارکت از طریق سازمان برآمده از خود انگیختگی جامعه مدنی که با نظام قانونی تضمین می‌شود. اعتبار دادن به مشارکت گسترده شهروندان؛ رواداری با مخالفت صلح‌آمیز و قانونی» (قاضی مرادی، ۱۳۹۷: ۲۷۴).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌عزله: «اسلام... آزادی را امری فطری انسان می‌داند. بله؛ یک حق است؛ حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات... البته استثنایی هم وجود دارد. این حق را در مواردی می‌توان سلب کرد. مثل حق حیات؛ یک نفر کسی را می‌کشد، قصاصش می‌کنند... در مقوله حق آزادی هم اینجوری است. منتها این‌ها استثناست. این دیدگاه اسلام است» (بیانات رهبری: ۷۷/۶/۱۲). اما: «آزادی خارج از چهارچوب قانونی، به هرج و مرج می‌گراید» (بیانات رهبری: ۸۱/۱۱/۱۶). «این حدود قانونی در همه کشورها الزامی است تا هرج و مرج ایجاد نشود. این حدود در هیچ جای دنیا و با هیچ منطقی وجودش بد نیست... قانون... خط‌کش در جامعه است.» (بیانات رهبری: ۷۳/۲/۲۴). بنابراین: «راه اینکه همه حق آزادی داشته باشند، عمل به قانون است» (بیانات رهبری: ۱۳۶۰/۳/۸).

### نتیجه

آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌عزله به‌عنوان ایده‌پرداز الگوی مردم‌سالاری دینی، اگرچه به مردم‌سالاری روشی متناسب با اقتضائات زمان و مکان، اعتنا داشتند، با این حال بر این عقیده هستند که در زمان‌ها ممکن است مدل‌ها عوض شود. آنچه در اینجا مهم است، محتوا و روح حاکم بر جامعه و به تبع آن نظام سیاسی است که باید متکی بر حضور و مشارکت مردم باشد. در اینجا مردم‌سالاری یک فرهنگ و سبک زندگی می‌شود که سابقه‌ای بیش از ره‌آورد مدرن از مردم‌سالاری در قالب پارلمان، احزاب، مکانیزم صندوق رأی و... دارد. مؤلفه‌هایی از این



رهیافت که در مقاله حاضر به اجمال مورد بررسی قرار گرفتند عبارت‌اند از مشارکت فعال و گسترش یافته در تمامی عرصه‌های زیست اجتماعی، تعاون و هم‌پاری، تمرکززدایی، گفتگو و مشورت آزاد، حوزه عمومی، جامعه مدنی و حلقه‌های میانی و امر به معروف و نهی از منکر. تمامی مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست، با یکدیگر ارتباط وثیق دارند. حوزه عمومی محل گفتگو و مشورت و بازگشت مشورت نیز به تعاون و مشارکت است. تعاون دارای مفهومی وسیع است به طوری که تعاون در امر تصمیم‌گیری را نیز زیر عنوان «مشورت» شامل می‌شود. توسعه مشارکت فعال از طریق گروه‌های خود-دگریاری و حلقه‌های میانی، و همچنین تمرکززدایی منجر به بسط جامعه مدنی و به تبع فرهنگ مردم‌سالارانه و تربیت افراد دموکراتیک منش خواهد شد. چنانکه طرفداران جامعه مدنی معتقدند که از یک سو تأمین آزادی و حفظ کثرت‌گرایی در جامعه با مداخله بی‌رویه دولت سازگاری ندارد و از سوی دیگر تحقق جامعه مدنی و پایداری آن بدون مدیریت و نظارت جمعی با روند شکل‌گیری از پایین به بالا، ناممکن است. در چنین شرایطی یکی از راه‌های عملی برای دستیابی جامعه‌ای مدنی و تقویت حلقات میانی، ایجاد دگرگونی در ساختار و کارکرد دولت و سازماندهی دوباره نقش آن در حیات ملی و محلی و تعمیق دموکراسی غیر متمرکز است.

مجموعه مؤلفه‌های فوق می‌توانند به افزایش نقش سپاری مردم در تمامی فرآیندهای تصمیم‌سازی/گیری، اجرا و نظارت برای ساماندهی حیات اجتماعی در همه حوزه‌ها و در فضایی هم‌دلانه منتج گردند و برای ایده دیرین مردم‌سالاری مدلولی نوین را فراهم آورند.

### کتابنامه

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۹). دموکراسی. (حسن مرتضوی، مترجم). تهران، آشیان.
- ارمه، گی (۱۳۷۶). فرهنگ و دموکراسی. (مرتضی ثاقب‌فر، مترجم). تهران، ققنوس.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی. مطالعات راهبردی، ۱(۲)، ۳۱-۶۸.
- افضلی، رسول، و صدرآرا، روزبه (۱۳۶۲). جامعه مدنی؛ مباحث کلی. دانشنامه جهان اسلام، تهران، کتاب مرجع، ۳۷۸-۳۸۲.

- انصاری، منصور (۱۳۸۴). دموکراسی گفتگویی. تهران، مرکز.
- بردسالی، کارن، و گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه شناسی. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران، نشر نی.
- بوگاردوس، اموری (۱۳۵۲). تعاون و اصول اولیه آن. تهران، وزارت تعاون و امور روستاها.
- بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- بیتهم، دیوید، و بویل، کوین (۱۳۷۶). دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی). (شهرام نقش تبریزی، مترجم). تهران، ققنوس.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۴). مردم‌سالاری دینی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. (علی مرشدی‌زاد، مترجم). تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران، نشر نی.
- حسینیا، احمد (۱۳۷۸). اسلام و آئین نبرد. تهران، رامین.
- روسو، ژان ژاک (۱۴۰۰). قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران، قاصدک صبا.
- زکی‌پور، جبرئیل (۱۳۹۳). اسلام آئین صلح و گفتگو. تهران، مهدیه.
- سیدرضی (۱۳۷۹). نهج البلاغه، (علی دوانی، مترجم). تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۷). انسان‌شناسی یاری‌گری. تهران، حبله رود.
- فیرحی، داود (۱۳۸۳). از مدینه النبی به مردم‌سالاری دینی. خردنامه همشهری، (۴۱)، ۱۸-۱۹.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۷). گذارها به دموکراسی. تهران، اختران.
- کالون، کرگ، و نوبهار، رحیم (۱۳۸۹). تاریخچه مفهوم جامعه مدنی و حوزه عمومی، تحقیقات حقوقی، ۱۳ (۵۱)، ۳۰۳-۳۳۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). أصول الکافی. (محمدباقر کمره‌ای، مترجم). قم، اسوه.
- کوهن، کارل (۱۳۷۴). دموکراسی. (فریرز مجیدی، مترجم). تهران، خوارزمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). چکیده آثار آنتونی گیدنز. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران، ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). فراسوی چپ و راست. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران، علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). چشم‌اندازهای جهانی. (محمدرضا جلاتی‌پور، مترجم). تهران، طرح نو.
- گیل، گریم (۱۳۹۴). پویایی دموکراسی‌سازی. (سعید حاجی‌ناصری و فرید حسینی‌مرام، مترجمان). تهران، اختران.

الگوی مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست... - سیدصدرالدین موسوی جشنی (۹۵-۷۰) / ۹۵

مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۹). تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در ایران معاصر. تهران، رسا. مشکات، محمد (۱۳۸۲). منابع، مبانی و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۴ (۱۰ و ۹)، ۴-۲۴.

مک‌لگان، پاتریشیا (۱۳۷۷). عصر مشارکت. (مصطفی اسلامی، مترجم). تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

موفه، شانتال (۱۳۹۱). درباره امر سیاسی. (منصور انصاری، مترجم). تهران، رخ داد نو. هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). دگرگونی ساختار حوزه عمومی. (جمال محمدی، مترجم) تهران، افکار.

Barbu, Zevedei (1956), *Democracy and Dictatorship: Their Psychology and patterns of life*, London, Routledge.

Dewey, John (1916), *Democracy and Education*, New York, The Macmillan company.

Habermas, Jurgen (1999), *Three Normative Models of Democracy*, London: Routledge.

